

چمران مرد بی ادعا

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا...



من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا.

«قرآن کریم- الاحزاب آیه 23»

31 خرداد ماه سالروز شهادت بزرگمرد تاریخ انقلاب اسلامی شهید مصطفی چمران است. دکتر چمران در تاریخ انقلاب اسلامی به عنوان الگو و نمونه ایمان و اعتقاد واقعی، پاکى نفس، فداکاری و مظلومیت شناخته می شود و به حق هم شایسته این القاب است. شناخت شخصیت بزرگ دکتر چمران در قالب الفاظ و عبارات نمی گنجد همچنان که بحث و بررسی و تحقیق بر افکار این بزرگ مرد نیز تنها خوشه چینی از درخت تنومند اعتقاد و علم و دانش اوست.

ابعاد مختلف شخصیتی دکتر چمران که به تعبیری تلاقی سردی و گرمی، آب و آتش، و اشک و آهن است حاصل جمعى از اضداد را تشکیل داده است. مهر و محبت او با دوستان و عزیزان و یتیمان در کنار روحیه سر سخت و دشمن شکن و هراس انگیز وی در دل دشمنان دین و میهن، اشک و آه و عرفان وی در کنار منطق و علم و دانش بشری همه و همه نشان از خود سازی و خود شناسی والای این بزرگمرد تاریخ است.

در طول تاریخ این مملکت انسان های کمی با مشخصات شهید چمران یافت میشود، اما چرا علی رغم گمنامی و ناشناخته بودن این شهید نام او همواره به نحوی دلنشین است انگار که همه او را می شناسند؟

امام خمینی در پیام خود به مناسبت شهادت این مرد بزرگ می فرماید:

چمران عزیز با عقیده پاک خالص غیروابسته به دستجات و گروه های سیاسی، و عقیده به هدف بزرگ الهی، جهاد را در راه آن از آغاز زندگی شروع و به آن ختم کرد. او در حیات، با نور معرفت و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان خود را نثار کرد. او با سرافرازی زیست، و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید.

امام خمینی هنرمندی شهید چمران را در پاکى نفس او از هواهای نفسانی و شهرت پرستی و قدرت طلبی می داند و می فرماید:

هنر آن است که بی هیاهوهای سیاسی، و «خودنمایی» های شیطانی، برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هوی، و این هنر مردان خداست. او در پیشگاه خدای بزرگ با آبرو رفت. روانش شاد و یادش بخیر. و اما ما می توانیم چنین هنری داشته باشیم، با خداست که دستمان را بگیرد و از ظلمات جهالت و نفسانیت برهاند.

در واقع نقطه پرش شهید چمران از دنیای انسان زمینی به رشد و تعالی در محضر حضرت حق همین عدم وابستگی به نفسانیات و خود نمایی های شیطانی است که ممکن است گریبان گیر هرکسی که در مسند قدرت قرار می گیرد، شود و این رازی است که وی را از یک فیزیکدان برجسته به مبارزی بی ادعا در راه هدف متعالی خود که همانا کسب رضای الهی بود تبدیل نمود و نمونه این امر را در این سخن می توان به خوبی دید.

"خدایا از تو می خواهم که طبع ما را آنقدر بلند کنی که در برابر هیچ چیز جز خدا تسلیم نشویم. دنیا ما را نفریبد، خودخواهی ما را کور نکند. سیاهی گناه و فساد و تهمت و دروغ و غیبت، قلب های ما را تیره و تار ننماید. خدایا! به ما آنقدر ظرفیت ده که در برابر پیروزی ها سرمست و مغرور نشویم. خدایا به من آنقدر توان ده که کوچکی و بیچارگی خویش را فراموش نکنم و در برابر عظمت تو خود را نبینم."

افکار متعالی شهید مانع از غرق شدن وی در موضوعات و درگیریهای سطحی می گردید و همین امر باعث می شد وی همانطور که به عنوان یک نیروی ملی و مذهبی مورد تایید همه نیروهای سیاسی کشور قرار گیرد. او فارغ از نظرات دیگران در موافقت یا مخالفت با وی، آنچه را که مورد رضایت حق می دانست و بر اساس تکلیف، عقلانیت بر وی حکم می نمود به انجام می رساند و همین علت نیز مانع وابستگی او به احزاب و گروهها میشد.

او خود سازنده فکر و اندیشه بود نه دنبال کننده دیگران و این توانایی را تنها به دلیل گسستن از دنیا و انسان ها و پیوستن به حق و حقیقت کسب نموده بود و در برابر احساس نیاز این چنین پاسخ می داد:

"من اینقدر احساس بی نیازی می کنم که در زیر شدیدترین حملات هم از کسی تقاضای کمک نمی کنم، حتی فریاد بر نمی آورم حتی آه نمی کشم در دنیای فقر آنقدر پیش می روم که به غناک مطلق برسم."

و این روح بزرگ انچنان وسعت می یابد که مستحق پرواز به سوی حق می گردد و به راستی چه پرگشودنی که با مرگ خود امواج خروشان را در دل دوستان خود به وجود آورد که تا ابد در سینه ها منتقل خواهد شد. خدایش غریق رحمت کند.

مجید رضاخانی